

تحلیل روابط ساده و چندگانه بین مهارت های تفکر با قابلیت های کارآفرینی و حل مساله در دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی

حمید رحیمی^۱

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر، تحلیل روابط ساده و چندگانه بین مهارت های تفکر با قابلیت های کارآفرینی و حل مساله در دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان بود. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان به تعداد ۹۲۵۳ نفر بود که با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۶۹ نفر بدست آمد. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، سه پرسشنامه مهارت تفکر در قالب ۳۵ سوال بسته پاسخ در پنج مولفه، پرسشنامه استاندارد حل مساله در قالب ۲۵ سوال بسته پاسخ در چهار مولفه و پرسشنامه کارآفرینی در قالب ۳۱ سوال بسته پاسخ در چهار مولفه بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بود. روایی محتوایی هر سه پرسشنامه توسط کارشناسان تایید شد. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای مهارت تفکر ۰/۸۳، کارآفرینی ۰/۷۹ و حل مساله ۰/۹۱ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون t) با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ انجام گرفت. یافته ها نشان داد میانگین هر یک از مؤلفه‌های مهارت های تفکر، مهارت های کارآفرینی و قابلیت های حل مساله در دانشجویان بالاتر از حد متوسط بود. بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مهارت های تفکر، کارآفرینی، حل مساله، دانشجویان، دانشگاه.

مقدمه

کارآفرینی و فنون حل مساله، پدیده جدیدی است که در دو دهه اخیر، جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت خود متحول ساخته است. در حال حاضر که اقتصاد کشور ما گرفتار نارسایی ها و کمبودهایی است و منجر به وضعیت ناهنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت سرمایه گذاری دولت، ضعف در صادرات غیر نفتی و بیماری هایی از این قبیل شده است، نیم نگاهی به وضعیت جهانی، اقتصاد ما را به سوی این باور می کشاند که رشد کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه و حل مساله به شرطی که هنرمندانه با فرهنگ، امکانات، توانایی ها و سلیقه ایرانی آمیخته

۱. دکتری مدیریت آموزشی، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه کاشان، ایمیل dr.hamid.rahimi@gmail.com

شود تنها راه بهبود بیماری امروز اقتصاد کشور و پیشگیری از وخامت حال فردا است (لطفی، ۱۳۸۸). اگر ما در پی یافتن راه حل های مناسب بسیاری از مشکلات فرهنگی، فنی، بومی، اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی دنیای صنعتی و رو به رشد خود هستیم نیاز به متفکران خلاق داریم. با بهره جستن از تفکر خلاق و قابل انعطاف، رهبران و اکثر افرادی که با یکدیگر مشغول به فعالیت هستند، می توانند برای حل چنین مسایلی به راهکارهای نوین دست یابند. وجود مهارت های تفکر به افراد این امکان را می دهد که علاوه بر قبول تغییرات، خود را با آن وفق دهند. برای افراد، توسعه مهارت های تفکر، مهارت حل مسئله و پرورش روحیه کارآفرینی یک ضرورت است نه یک امر تشریفاتی و برای سازمانها نیز توسعه این مهارت در افرادشان یک ضرورت است و نوآورترین افراد و سازمان ها کسانی هستند که ماندگاری و کامیابی خود را با درجه اطمینان بالایی حفظ کرده اند.

در طول زندگی، هر فرد با مسائل گوناگونی روبرو می شود که باید در مورد آن ها تصمیم گیری نماید. در امر تصمیم گیری اطلاعات نقش مهمی ایفاء می کند. استفاده درست از این اطلاعات مستلزم مجهز شدن به مهارت های تفکر سطح بالاست (حسینی، ۱۳۹۰، ۱). هر انسانی باید بتواند منعطفانه، تفکرات مختلف را در ترکیب با یکدیگر به کار گیرد. توانایی استفاده همزمان از این تفکرات منجر به پیشرفت در تمامی عرصه های زندگی بشری می گردد. این نوع تفکرات به میزان های گوناگون در نهاد تمامی انسان ها به ودیعه گذاشته شده است. برای این که این استعدادها به منصف ظهور برسند، باید بستر مناسب فراهم شود. یکی از این بسترهای مهم، بستر آموزش می باشد. همزمان با سنین رشد کودکان باید آموزش این نوع تفکرات در برنامه های درسی آن ها گنجانده شود. پیشرفت دنیای امروز مرهون پرورش انسان های اندیشمند و خلاق در تمامی عرصه های زندگی است. به عبارتی دیگر انسان های مجهز به سلاح اندیشه بزرگترین سرمایه هر جامعه محسوب می شوند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱-۲).

از مهم ترین مهارت های تفکر، مهارت مثبت اندیشی، کلان نگری، هدفمند کردن تفکر، واقعیت گرایی و خوش بینی است. روان شناسان معتقدند که افکار و هیجان های منفی موجب می شود فکر، عمل و خلاقیت انسان ها محدود شود. حال آن که تفکرات و هیجان های مثبت موجب گسترده تر شدن اعمال می شود. تفکرات و هیجان های مثبت، شادی و شادمانی، شیوه های معمول تفکر آدمی را به سوی کنجکاوی و آفرینندگی بیشتر سوق می دهد. مثبت اندیشی شکلی از فکر کردن است که بر حسب عادت، در پی کسب بهترین نتیجه از بدترین شرایط می باشد. شخص مثبت اندیش هیچ گاه مسائل منفی را به رسمیت نمی شناسد، بلکه به مقابله با آن می پردازد. مثبت اندیشی، تصویر سازی ذهنی مثبت و قراردادن موفقیت به عنوان پیش شرط ذهنی است. هدفمند کردن، آن دسته از افکاری هستند که بر اساس اهداف ویژه ای سازمان می یابند و فرد با در نظر گرفتن آن اهداف، افکار خود را نیز سازمان می دهد، به طوری که شخص می تواند به صورت گام به گام به تهیه مراحل پیردازد که موجب رسیدن او به اهدافش خواهد شد (همانند افکار مربوط به حل یک مساله ریاضی یا افکار مربوط به برنامه ریزی درسی). منظور از کلان نگری، کل نگری به جای جزء نگری است. تکیه صرف بر جزء نگری، امکان فهم الگوهای حاکم بر پدیده ها را از بین می برد. در سازمان ها نیز وضعیت چنین است (یاری، ۱۳۷۸). پرداختن به اجزاء و واحدها باعث می شود تا افراد و گروه ها به صورت جزیره ای، فکر و عمل کنند و این کار گرچه ممکن است بهبود عملکرد برخی واحدها را نشان دهد اما به عملکرد کلی سازمان لطمه می زند. این امر به تفکر سیستمی یا همان تفکر کل نگر معروف است. منظور از واقعیت گرایی، توجه به واقعیت ها و امور عینی و پرهیز از رویا و تخیلات است. منظور از

خوش بینی این است که افرادی که بر حسب عادت خوش بین و مثبت هستند به طور مداوم به اهداف شان فکر می کنند و درباره آن صحبت می کنند. به جای فکر کردن و صحبت کردن در مورد گذشته و جایی که از آن آمده اند، به آینده و جایی که قرار است به آن بروند فکر کرده و در مورد آن صحبت می نمایند. آن ها همواره به جلو نگاه می کنند نه به عقب (یاری، ۱۳۷۸).

مدت ها تصور غالب این بود که کارآفرینی یک خصوصیت ویژه فردی است و تحصیل و آموزش نمی تواند هیچ تاثیری در افراد داشته باشد. ولی امروزه شواهد موجود نشان می دهد که کارآفرینی می تواند در نتیجه برنامه های آموزشی پرورش یابد. امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه تبدیل شده است. یکی از مهم ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان، توسعه و ارتقاء رفتار کارآفرینانه افراد از طریق ترویج، آموزش، حمایت و شناخت مستعدان کارآفرینی است. بدین منظور برای ارتقاء قابلیت های کارآفرینی باید برنامه های آموزشی خاصی برای افراد مستعد تدوین شود تا از این طریق به جای اینکه فارغ التحصیلان دانشگاه ها به دنبال استخدام و جستجوی کار باشند خودشان کسب و کار جدید ایجاد کنند. از این رو ترویج فرهنگ کارآفرینی مستلزم درک اهمیت آن توسط سیاست گذاران و برنامه ریزی جامع و حمایت همه جانبه مقامات و کارگزاران دولتی است (ستیاوان، ۲۰۱۴).

مطالعه فرایند کارآفرینی به چند دلیل حائز اهمیت است. نخست به این دلیل که کارآفرینی، جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و رشد اقتصادی را باعث می شود همچنین فرایند کارآفرینی باعث توازن بین عرضه و تقاضا می شود. از جمله موضوعات مهم دیگر در ارتباط با کارآفرینی آن است که این فرایند مهم باعث می شود تا دانش جدید تبدیل به خدمات و محصولات جدید شود. دیگر آنکه کارآفرینی تبدیل به حرفه بسیار مهمی شده است و ما نیازمند هستیم که نقش آن را در توسعه ظرفیت های انسانی درک کنیم (لطفی، ۱۳۸۸: ۴).

کارآفرینی فرایندی است که فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و تأسیس شرکت های نو، سازمان های جدید و نوآور و رشد یابنده می نماید که این امر توأم با پذیرش مخاطره و ریسک است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می گردد. در دایره المعارف بریتانیا، کارآفرینی اینگونه تعریف شده است: "شخصی که کسب و کار و یا موسسه اقتصادی را سازماندهی و مدیریت کرده و خطرات ناشی از آن را می پذیرد" (مارتین و رومیتا، ۲۰۱۴).

کارآفرینی دارای ابعاد مختلفی مانند توفیق طلبی^۱، استقلال طلبی^۲، مخاطره پذیری^۳ و تحمل ابهام^۴ است. منظور از توفیق طلبی از دید مک کله لند^۵ (۱۹۶۳)، تمایل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت های رقابتی می باشد. نیاز به توفیق در افرادی وجود دارد که در فعالیت های کارآفرینانه موفق می باشند. استقلال طلبی را می توان به صورت «کار را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن» تعریف کرد. میل به استقلال، نیروی انگیزشی برای کارآفرینان معاصر است لذا استقلال، پاداش دیگر کارآفرینی است. لایلز^۶ (۱۹۸۰) مخاطره پذیری را به عنوان پذیرش مخاطره هایی می داند که می تواند از طریق تلاش های شخصی مهار شود یا احتمال دریافت پاداش در نتیجه موفقیت های

1. Need for Achievement
4. Ambiguity Tolerance

2. Sense of Independence
5. Mc Clelland

3. Risk Taking
6. Liles

پیشنهادی که شخص قبل از اینکه خود را در معرض پیام‌های ناشی از شکست قرار دهد در نظر می‌گیرد. سکستون^۱ (۱۹۹۲) تحمل ابهام را عبارت از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بدون آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر، تعریف کرده است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۳).

فرایند تصمیم‌گیری، اهمیت اساسی در حل مسأله برای توسعه شغلی دارد. مینتزرگ^۲ و همکاران (۱۹۷۶) فرایند تصمیم‌گیری را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و عوامل پویا که با شناسایی یک محرک برای فعالیت و اهداف با تعهدی ویژه برای انجام آن تعریف کرده‌اند. ونبرگ (۲۰۰۶) هم چنین اشاره کرده است که تصمیم‌گیری نقش اساسی در عملکرد مشاغل کوچک ایفاء می‌کند. گاه افراد برای مشکلات به ظاهر مشابه، از راه حل‌های مختلفی بهره می‌گیرند و برای پیدا کردن راه حل‌های کارساز، مراحل و فرایندهای گوناگونی را به صورت هوشمندانه دنبال می‌کنند و پس از کسب تجربه‌های موفق در بهره‌گیری از این راه حل‌ها، به تدریج شیوه‌ای از حل مسأله شکل می‌گیرد که از آن به بعد به طور خودکار برای حل مسأله به کار گرفته می‌شود (پارسا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۰). روش حل مسأله در واقع نوعی روش یادگیری فعال و شامل پنج مرحله است: شناسایی و تعریف مسأله، جمع‌آوری اطلاعات، نتیجه‌گیری مقدماتی، آزمون نتایج و ارزشیابی و نتیجه‌گیری (مایرز^۳، به نقل از ایلی، ۱۳۸۳، ۱۷).

روش‌های مختلفی برای حل مسئله وجود دارند: روش منطقی: با جمع‌آوری اطلاعات لازم، تمام انتخاب‌ها و احتمالات را بررسی می‌کنیم و با توجه به هدف مان بهترین را بر می‌گزینیم. روش احساسی: در قید و بند جمع‌آوری اطلاعات نیستیم، حتی گاه آن‌ها را نادیده می‌گیریم و بیش‌ترین اعتبار را به حس مان می‌دهیم. روش تکانشی: خیلی سریع، اولین راهی را که به نظرمان می‌رسد انتخاب می‌کنیم. روش اجتنابی و غیرفعال: در واقع تصمیمی نمی‌گیریم یا آن را به تعویق می‌اندازیم، یا آن قدر درگیر دودلی‌های مان هستیم که کم‌کم انتخاب‌ها بر اثر تأخیر حذف می‌شوند تا نهایتاً یک گزینه باقی بماند.

تقویت مهارت حل مسأله می‌تواند به ما کمک کند تا کنترل بیش‌تری روی زندگی مان داشته باشیم و رضایت و اطمینان خاطر بیش‌تری در مورد تصمیمات مان داشته باشیم. تصمیم‌گیری روندی است که طی آن یک مسیر را در میان چند راه ممکن بر می‌گزینیم. برای یک تصمیم‌گیری مناسب باید در ابتدا خودمان را به خوبی بشناسیم، یعنی از نقاط قوت و ضعف و ارزش‌های خود مطلع باشیم. ارزش‌های ما در تعیین اولویت‌های مان نقش مهمی دارند و می‌توانند مسیر تصمیم‌گیری را برای مان روشن سازند. اطلاع داشتن از شرایط محیطی، فرصت‌ها و محدودیت‌ها و امکان بروز تغییرات از دیگر اطلاعات مهمی است که باید در ابتدای هر تصمیم‌گیری مهمی آن را در نظر بگیریم (مهدوی، ۱۳۸۸).

در پژوهش حاضر امکان بررسی میزان مهارت‌های تفکر، روحیه کارآفرینی و حل مسأله در دانشجویان فراهم می‌شود. برای ایجاد تفکر درست باید ابتدا باور و نگرش انسان تصحیح گردد و عادی‌ترین و واضح‌ترین مسائل باید به دیده شک نگریسته شود. سپس واقعیات شناخته شده، درک گردیده و تجزیه و تفسیر گردند. کسب مهارت‌های تفکر به‌عنوان یکی از مهارت‌های زندگی برای هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان لازم و ضروری می‌باشد و باید به آموزش این نوع مهارت‌ها از

1.Sexton
2.Mintzberg
3.Mayers

سطوح ابتدایی تا سطوح عالی اقدام گردد. تأیید رابطه میان مهارت های تفکر و روحیه کارآفرینی و حل مساله و شناسایی بعد یا ابعادی از مهارت های تفکر که بیشترین ارتباط را با روحیه کارآفرینی و حل مساله دارد، به مسئولان و دست اندرکاران نظام آموزشی کمک می کند تا با توجه به قابل رشد بودن و امکان پرورش مهارت های تفکر، زمینه های ترویج روحیه کارآفرینی و حل مساله در دانشجویان را فراهم نمایند تا دانشجویان بتوانند نقش خود را به عنوان دانشجویانی خلاق و نوآور در رشد و پیشرفت جامعه و موفقیت در زندگی ایفا نمایند. شعبانی و مهرمحمدی (۱۳۷۹) نشان دادند روش حل مسئله به صورت فعالیت گروهی، موید نظرات و تحلیل بسیاری از اندیشمندان تعلیم و تربیت است و نقش ارزنده ای در پرورش مهارت های تفکر انتقادی دارد.

بهرام گیری (۱۳۸۰) به بررسی تاثیر مهارت حل مساله در بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف پرداخت. نتایج حاصله بیانگر آن است که آموزش این مهارت منجر به بهبود دو مهارت اجتماعی، توانایی یافتن راه حل های بدیل و پیش بینی نتایج در گروه آزمایش شده است و تفاوت چشمگیری بین عملکرد گروه آزمایش و گروه کنترل پس از اجرای آزمایش مشاهده می شود. دباغیان (۱۳۸۴) در تحقیق خود دریافت دانش آموزان ریاضی نسبت به دانش آموزان بقیه رشته ها دارای قدرت تفکر بالاتری هستند و نیز تفاوت معناداری بین رشته علوم تجربی و ادبیات مشاهده نگردید. حبیبی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان دادند که آموزش مهارت حل مساله می تواند سازگاری کلی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان را به طور معناداری افزایش دهد. حقیقت جو (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان داد که بین کارآفرینی و سلامت سازمانی رابطه وجود دارد. بین سبک تفکر (اجرایی) مدیران با میزان سلامت سازمانی رابطه معنی دار وجود دارد. رضایی (۱۳۸۸) در بررسی ویژگی های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب نشان داد که میانگین روحیه کارآفرینی به طور کلی و نیز همه مولفه ها به جز مولفه مخاطر پذیری بالاتر از حد متوسط است. توانایی (۱۳۸۹) دریافت تفکر مثبت که از نگرش خوش بینانه به جهان هستی منشأ می گیرد، نقش مهمی در بروز رفتارهای بهتر و هدفمندتر در انسان داشته و زمینه موفقیت او را فراهم می سازد. احمدی (۱۳۸۹) دریافت که احساس شادمانی بر جنبه های مختلف چون موفقیت در زندگی حرفه ای، ازدواج، تفکر خلاق، طول عمر و بسیاری از موارد دیگر تاثیر مثبت دارد. نتایج پژوهش پارسا و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که هر کدام از شیوه های چهارگانه حل مساله با ویژگی های کارآفرینی دانشجویان رابطه معنادار و مثبت دارند. نتایج رگرسیون نیز نشان داد که شیوه های عقلانی و عمل گرا، ۳۳ درصد از کل واریانس ویژگی های کارآفرینانه دانشجویان را پیش بینی می کنند و سهم شیوه حل مساله عقلانی از این میزان، ۰/۵۶ می باشد. سایر شیوه های حل مساله قادر به پیش بینی معنادار ویژگی های کارآفرینانه دانشجویان نیستند. دستغیب (۱۳۹۰) در بررسی تاثیر آموزش مهارت های مثبت اندیشی بر خلاقیت دانش آموزان دختر نشان داد آموزش مهارت های مثبت اندیشی بر خلاقیت و هر یک از زیر بخش های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری دانش آموزان تاثیر دارد. مقیمیان (۱۳۹۱) در پژوهشی دریافت اگرچه آموزش تفکر خلاق می تواند تفکر خلاق را بهبود بخشد ولی بروز رفتارها یا مهارت های مدیریتی دانشجویان نیازمند زمان بیش تری است. سیادت (۱۳۹۱) دریافت میانگین و انحراف معیار نمرات دانشجویان در مؤلفه های توفیق طلبی، کنترل درونی، استقلال طلبی و خلاقیت بالاتر از حد میانگین (۳) اما میانگین نمره مؤلفه ریسک پذیری پایین تر از حد میانگین (۳) بود. آیزن^۱ (۱۹۸۷) نشان داد که شادی و آرامش موجب افزایش

خلاقیت، قوه خیال، وسعت فکر و تمایل به تنوع طلبی فرد می شود. نورمن^۱ (۲۰۰۳) در تحقیقات خود دریافت که وجود چیزهای جالب و جذاب در مردم، احساسات خوب و مثبتی را پدید می آورد، در نتیجه خلاق تر از قبل می شوند. رایت^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان داد که بین حالت عاطفی مثبت و خلاقیت و بین بهزیستی روانی با خلاقیت، همبستگی مثبت و معنادار است. گالوی^۳ (۲۰۰۵) در تحقیقی روی دانشجویان دانشگاه دریافت که آموزش کارآفرینی بر افزایش مهارت های دانشجویان مانند خلاقیت، توانایی کار گروهی و اعتماد به نفس و همچنین مهارت های ارتباطی و مدیریت تاثیر داشته است.

فرضیه ها

۱. میانگین مهارت های تفکر دانشجویان دانشگاه مطلوب است.
۲. میانگین مهارت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مطلوب است.
۳. میانگین مهارت های حل مساله در دانشجویان دانشگاه مطلوب است.
۴. بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان رابطه وجود دارد.
۵. بین مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی تفاوت وجود دارد.

روش

پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا توصیفی همبستگی می باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به تعداد ۹۲۵۳ نفر می باشد. از آن جایی که در تحقیق حاضر، واریانس جامعه آماری نامعلوم بود، انجام یک مطالعه مقدماتی بر روی گروهی از افراد جامعه به منظور تعیین واریانس جامعه ضرورت داشت. به همین منظور، یک گروه ۳۰ نفری از جامعه آماری به صورت تصادف انتخاب گردید و پرسشنامه در بین آن ها توزیع و پس از استخراج داده های مربوط به پاسخ های گروه نمونه مذکور، برآورد حجم جامعه، توان آزمون و برآورد واریانس جامعه، حجم نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران ۲۶۹ نفر بدست آمد.

$$n = \frac{9253(1.96)^2 \times (0.18)^2}{9253(0.05)^2 + (1.96)^2 \times (0.18)^2} = 269$$

روش نمونه گیری، تصادفی طبقه ای متناسب با حجم بود. بر این اساس از ۷۰۸۵ دانشجوی دانشگاه کاشان، ۲۰۶ نفر و از ۲۱۶۸ دانشجوی علوم پزشکی ۶۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بود:

2.Norman
3.Wright
4.Galloway

الف) مهارت تفکر: در این پژوهش جهت اندازه گیری مهارت تفکر دانشجویان از پرسشنامه محقق ساخته با پنج مولفه (خوش بینی، کلان نگری، مثبت اندیشی، واقعیت گرایی، هدفمند کردن تفکر) در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. برای سنجش مهارت تفکر با توجه به اینکه مقیاس پرسشنامه پنج درجه ای بود، میانگین فرضی (۳) به عنوان مبنای تحلیل پرسشنامه قرار گرفت.

ب) پرسشنامه حل مساله: پرسشنامه استاندارد حل مساله در قالب ۲۵ سوال بسته پاسخ بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) است (دزوریلا و همکاران، ۲۰۰۲). در این تحقیق، حل مساله را به واسطه ابعاد آن می سنجیم. از جمله ابعاد حل مساله می توان به منطقی، احساسی، تکانشی و اجتنابی اشاره کرد. برای سنجش حل مساله با توجه به اینکه مقیاس پرسشنامه پنج درجه ای بود، میانگین فرضی (۳) به عنوان مبنای تحلیل قرار گرفت.

ج) پرسشنامه کارآفرینی: پرسشنامه کارآفرینی در قالب ۳۱ سوال بسته پاسخ بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. در این تحقیق کارآفرینی را به واسطه ابعاد آن می سنجیم. از جمله ابعاد کارآفرینی می توان به توفیق طلبی، استقلال طلبی، تحمل ابهام و مخاطره پذیری اشاره کرد. برای سنجش کارآفرینی با توجه به اینکه مقیاس پرسشنامه پنج درجه ای بود، میانگین فرضی (۳) به عنوان مبنای تحلیل قرار گرفت.

به منظور تعیین روایی صوری و محتوایی این تحقیق، هر سه پرسشنامه در اختیار ۱۵ نفر از اساتید مدیریت، روانشناسی و علوم اجتماعی و تربیتی قرار گرفت و بعد از دریافت نظرات آنان اصلاحات ضروری در پرسشنامه ها انجام شد. پایایی پرسشنامه ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای مهارت تفکر ۰/۸۳، کارآفرینی ۰/۷۹ و حل مساله ۰/۹۱ برآورد گردید که حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه گیری است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز در سطح آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون t) با استفاده از نرم افزار آماری spss انجام گرفت.

یافته ها

بر اساس یافته ها، ۵۷٪ گروه نمونه دانشجویان دختر و ۴۳٪ پسر، ۶۷٪ کارشناسی، ۲۳٪ ارشد و ۱۰٪ دکتری بودند، ۲۷٪ در رشته های انسانی، ۱۹٪ علوم پایه، ۲۶٪ فنی، ۵٪ هنر و ۲۳٪ پزشکی بودند.

۱. میانگین مهارت های تفکر دانشجویان دانشگاه مطلوب است.

جدول شماره ۱: مقایسه میانگین مهارت های تفکر دانشجویان

متغیر	تعداد	میانگین	df	t	P
مثبت اندیشی	۲۶۹	۳/۶۶	۲۶۸	۱۸/۸۹	۰/۰۰۰
کلان نگری	۲۶۹	۳/۶۵	۲۵۶	۱۷/۴۵	۰/۰۰۰
هدفمندسازی	۲۶۹	۳/۸۹	۲۵۶	۲۷/۹۰	۰/۰۰۰
واقع نگری	۲۶۹	۳/۵۱	۲۵۶	۱۳/۷۲	۰/۰۰۰
خوش بینی	۲۶۹	۳/۵۴	۲۵۶	۱۴/۹۷	۰/۰۰۰
تفکر	۲۶۹	۳/۶۵	۲۵۶	۲۳/۶۸	۰/۰۰۰

جدول (۱) نشان داد میانگین هر یک از مؤلفه های مهارت های تفکر از میانگین فرضی (۳) بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تایید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه هدفمندی به میزان ۳/۸۹ بود.

۲. میانگین مهارت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مطلوب است.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین کارآفرینی دانشجویان

متغیر	تعداد	میانگین	df	t	P
توفیق طلبی	۲۶۹	۳/۷۹	۲۶۸	۲۱/۴۳	۰/۰۰۰
ریسک پذیری	۲۶۹	۳/۳۱	۲۶۸	۹/۲۳	۰/۰۰۰
ابهام	۲۶۹	۳/۵۵	۲۶۸	۱۱/۲۸	۰/۰۰۰
استقلال	۲۶۹	۳/۴۷	۲۶۸	۱۰/۲۰	۰/۰۰۰
کارآفرینی	۲۶۹	۳/۵۳	۲۵۸	۱۶/۴۳	۰/۰۰۰

جدول (۲) نشان داد میانگین هر یک از مؤلفه های کارآفرینی از میانگین فرضی (۳) بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تایید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه توفیق طلبی به میزان ۳/۷۹ بود.

۳. میانگین مهارت های حل مساله در دانشجویان دانشگاه مطلوب است.

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین حل مسئله دانشجویان

متغیر	تعداد	میانگین	df	t	P
احساسی	۲۶۹	۳/۰۴	۲۶۸	۱/۰۶	۰/۲۹۰
اجتنابی	۲۶۹	۲/۸۱	۲۶۸	-۴/۲۷	۰/۰۰۰
تکانشی	۲۶۹	۳/۲۱	۲۶۸	۳/۶۳	۰/۰۰۰
منطقی	۲۶۹	۳/۲۲	۲۶۸	۵/۶۹	۰/۰۰۰
حل مسأله	۲۶۹	۳/۰۷	۲۶۸	۲/۰۲	۰/۰۴

جدول (۳) نشان داد میانگین مؤلفه های احساسی، تکانشی و منطقی بالاتر از حد متوسط (۳) و اجتنابی پایین تر از حد متوسط (۳) بود. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه منطقی به میزان ۳/۲۲ بود.

۴. بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: رابطه بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان

متغیر	تعداد	رابطه	ضریب تعیین	سطح معناداری
مهارت های تفکر و کارآفرینی	۲۶۹	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۰۰۰
مهارت های تفکر و حل مساله	۲۶۹	۰/۲۵	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی نشان داد بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی هر چه مهارت های تفکر در دانشجویان افزایش یابد به همان میزان مهارت های کارآفرینی و حل مساله در دانشجویان نیز افزایش می یابد.

جدول شماره ۵: ضرایب رگرسیون مولفه های مهارت های تفکر در تبیین کارآفرینی

P	t	خطای استاندارد	Beta	B	
۰/۰۳	۲/۱۸	۰/۱۹	-	۰/۴۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۷	۲/۷۳	۰/۰۵	۰/۱۵	۰/۱۴	مثبت اندیشی
۰/۱۹	۱/۳۰	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۶	کلان نگری
۰/۰۰۰	۴/۶۴	۰/۰۵	۰/۲۶	۰/۲۷	هدفمندسازی
۰/۰۳	۲/۱۲	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۱۰	واقع نگری
۰/۰۰۰	۵/۳۷	۰/۰۵	۰/۳۰	۰/۲۷	خوش بینی

جدول رگرسیون نشان داد از بین مؤلفه های مهارت های تفکر به جزمؤلفه های کلان نگری ($B=0/06$ و $P=0/19$) بقیه

مؤلفه ها قابلیت پیش بینی کارآفرینی دانشجویان را دارند و می توانند در مدل رگرسیونی قرار گیرند.

جدول شماره ۶: ضرایب رگرسیون مولفه های مهارت های تفکر در تبیین حل مساله

P	t	خطای استاندارد	Beta	B	
۰/۰۳	۵/۸۱	۰/۳۰۵	-	۱/۷۷	مقدار ثابت
۰/۲۲۲	۱/۲۲	۰/۰۸	۰/۰۹۶	۰/۱۰	مثبت اندیشی
۰/۵۳۵	۰/۶۲	۰/۰۷۴	۰/۰۴۷	۰/۰۴۶	کلان نگری
۰/۰۸	۱/۷۶	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۶	هدفمندسازی
۰/۵۲	۰/۶۵	۰/۰۸	۰/۰۵۳	۰/۰۵	واقع نگری
۰/۳۱۴	۱/۰۰۹	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸۱	خوش بینی

جدول رگرسیون نشان داد هیچکدام از مؤلفه های مهارت های تفکر، قابلیت پیش بینی حل مساله دانشجویان را ندارند

و نمی توانند در مدل رگرسیونی قرار گیرند.

۵. بین مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۷: مقایسه مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم**پزشکی**

متغیر	تعداد	میانگین	t	معناداری
مهارت های تفکر	کاشان	۳/۶۷	۰/۵۵	۰/۵۸
علوم پزشکی	کاشان	۳/۶۴		
کارآفرینی	کاشان	۳/۵۵	۰/۶۲	۰/۵۴
علوم پزشکی	کاشان	۳/۵۱		
حل مساله	کاشان	۳/۰۶	۰/۲۱	۰/۸۳
علوم پزشکی	کاشان	۳/۰۸		

آزمون تی مستقل نشان داد بین مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مساله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی یکسان است.

بحث و نتیجه گیری

دانشگاه محل خلاقیت و نوآوری است. دانشگاه خلاق، مکانی آموزشی و پایه کارش تولید و ارتقای کیفیت دانش است. با توجه به اینکه کارکرد اصلی دانشگاه ها، گسترش مرزهای دانش و تولید علم است و منشاء و شالوده علم را خلاقیت و نوآوری تشکیل میدهد، خلاقیت و نوآوری، کارآفرینی و حل مسئله برای این مؤسسات نسبت به سایر سازمان ها ضرورت بیشتری دارد. نتایج مطالعات مختلف در این زمینه حاکی از آن است که یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خلاقیت، کارآفرینی و حل مسئله، پرورش مهارت های تفکر افراد می باشد. پرورش تفکر خلاق در دانشجویان باعث می گردد تا آن ها نقاط ضعف وقوت خود را بهتر تشخیص دهند و بفهمند چگونه میتوانند استراتژی های خود را در تصمیم گیری و حل مسئله گسترش دهند که این امر میتواند سبب کاهش اتخاذ تصمیمات اشتباه شود. لذا هدف پژوهش حاضر تحلیل رابطه بین مهارت های تفکر با کارآفرینی و حل مسئله دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه کاشان بود.

جدول (۱) نشان داد میانگین هر یک از مؤلفه های مهارت های تفکر از میانگین فرضی (۳) بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تایید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه هدفمندسازی به میزان ۳/۸۹ بود. آزمون تی نشان داد با توجه به سطح معناداری، میانگین همه مؤلفه ها معنادار است و فرض ادعای پژوهشگر تأیید می شود. این نشان می دهد دانشجویان به نسبت به کارهای غلط و بدون ارزش فکر نمی کنند، همواره به پیشرفت و ترقی فکر می کنند، همواره یادگیری مطالب جدید را در کار پیاده می کنند، با تفکر، روش های کار را ساده می کنند، از افراد منفی باف دوری می - جویند، در گروه کاری خود انگیزه و امید ایجاد می کنند، کار بدون هدف را انجام نمی دهند، موفقیت بدون طرح را غیر ممکن می دانند، روی موارد حاد مثبت و یا منفی یک پدیده تعمق می کنند، از تجربه های موفق الگوبرداری می کنند و همواره مشکلات را با افکار جدید حل می نمایند.

جدول (۲) نشان داد میانگین هر یک از مؤلفه‌های کارآفرینی از میانگین فرضی (۳) بیشتر بود و فرض ادعای پژوهشگر مورد تایید قرار گرفت. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه توفیق طلبی به میزان ۳/۷۹ بود. در زمینه کارآفرینی نتایج نشان می‌دهد دانشجویان بیشتر به آینده فکر می‌کنند تا به حال و گذشته، اعتقاد دارند با تلاش کافی می‌توانند موفق باشند، در هر کار و فعالیت تمایل دارند نتیجه کار خود را با نتیجه کار دیگران مقایسه نمایند، ترجیح می‌دهند شخصاً مسئولیت حل مشکلات خود را از طریق تلاش شخصی خود به عهده بگیرند، برای بهبود کار و عملکرد خود از انتقادات دیگران استفاده می‌کنند، در مقابل مسائل و مشکلات آنی تسلیم نمی‌شوند، به طرح‌های جدید فکر می‌کنند، به حل مسائل پیچیده و مبهم که نیاز به تفکر دارند علاقمند هستند، از تغییرات استقبال می‌کنند، استقلال فکری را در موفقیت موثر می‌دانند و به انجام کارها و وظایفی که ریسک حساب شده دارد رغبت نشان می‌دهند. گالوی (۲۰۰۵) دریافت که آموزش کارآفرینی بر افزایش مهارت های دانشجویان مانند خلاقیت، توانایی کار گروهی و اعتماد به نفس و همچنین مهارت های ارتباطی و مدیریت تاثیر داشته است. سیادت (۱۳۹۱) دریافت میانگین و انحراف معیار نمرات دانشجویان در مؤلفه‌های توفیق طلبی، کنترل درونی، استقلال طلبی و خلاقیت بالاتر از حد میانگین اما میانگین نمره مؤلفه ریسک‌پذیری پایین‌تر از حد میانگین بود. رضایی (۱۳۸۸) نشان داد که میانگین روحیه کارآفرینی به طور کلی و نیز همه مؤلفه‌ها به جز مؤلفه مخاطره‌پذیری بالاتر از حد متوسط است.

جدول (۳) نشان داد میانگین مؤلفه‌های احساسی، تکانشی و منطقی بالاتر از حد متوسط (۳) و اجتنابی پایین‌تر از حد متوسط (۳) بود. بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه منطقی به میزان ۳/۲۲ بود. در زمینه حل مسئله نتایج نشان می‌دهد دانشجویان به راه حل های مختلف فکر می‌کنند، زمانی را برای توجه به اظهار نظرهای موافقان یا مخالفان صرف می‌کنند، اگر تلاش اولیه برای حل مسئله با شکست مواجه شود، مایوس نمی‌شوند، با یک مسئله سخت، آشفته نمی‌شوند، به محض مواجهه با مسائل، دست به کار می‌شوند، نتایج هر انتخاب را سبک سنگین و مقایسه می‌کنند، برای مقایسه انتخاب‌ها روش منظمی را به کار می‌برند، بدون تفکر با احساس درونی خود درگیر نمی‌شوند، اعتقاد دارند هر مسئله‌ای قابل حل است و وضعیت را تحلیل و موانع را شناسایی می‌کنند. حبیبی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داد که آموزش مهارت حل مسأله می‌تواند سازگاری کلی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان را به طور معناداری افزایش دهد.

ضریب همبستگی نشان داد بین مهارت های تفکر با مهارت های کارآفرینی و حل مساله دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی هر چه مهارت های تفکر در دانشجویان افزایش یابد به همان میزان مهارت های کارآفرینی و حل مساله در دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. جدول رگرسیون نشان داد از بین مؤلفه‌های مهارت های تفکر به جز مؤلفه های کلان‌نگری، بقیه مؤلفه‌ها قابلیت پیش‌بینی کارآفرینی دانشجویان را دارند و می‌توانند در مدل رگرسیونی قرار گیرند.

این نشان می‌دهد تفکر مثبت که از نگرش خوش‌بینانه به جهان هستی منشأ می‌گیرد، نقش مهمی در بروز رفتارهای بهتر و هدفمندتر در انسان داشته و زمینه موفقیت او را فراهم می‌سازد. تفکرات و هیجان‌های مثبت موجب گسترده‌تر شدن اعمال می‌شود، تفکرات و هیجان‌های مثبت، شادی و شادمانی شیوه‌های معمول تفکر، آدمی را به سوی کنجکاوی و آفرینندگی بیشتر سوق می‌دهد. هدفمند کردن افکار باعث می‌شود که شخص بتواند به صورت گام به گام به تهیه مراحل و پردازش که موجب رسیدن او به اهدافش شود. خوش‌بینی باعث می‌شود افراد به طور مداوم به اهدافشان فکر کنند و

درباره آن صحبت نمایند. هنگامی که به طور مدام اهداف و ایده آل های خود را مجسم می نمایند و به شیوه ای مثبت با خود سخن می گویند احساس می کنند که از تمرکز و انرژی بیشتری برخوردارند، اعتماد به نفس و خلاقیت و کارآفرینی بیشتری دارند و کنترل قدرت فردی شان بیشتر شده و در نهایت اینکه هر اندازه خوش بین تر باشد و انگیزه بیشتری داشته باشد برای آغاز کار مشتاق تر و برای ادامه آن مصمم تر خواهد بود. همچنین توانایی (۱۳۸۹) دریافت تفکر مثبت، نقش مهمی در بروز رفتارهای بهتر و هدفمندتر در انسان داشته و زمینه موفقیت او را فراهم می سازد. دستغیب (۱۳۹۰) نشان داد آموزش مهارت های مثبت اندیشی بر خلاقیت و هر یک از زیر بخش های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری دانش آموزان تاثیر دارد. آیزن (۱۹۸۷) نشان داد که شادی و آرامش موجب افزایش خلاقیت، قوه خیال، وسعت فکر و تمایل به تنوع طلبی فرد می شود. رایت (۲۰۰۳) نشان داد که بین حالت عاطفی مثبت و خلاقیت و بین بهزیستی روانی با خلاقیت، همبستگی مثبت و معنادار است. نورمن (۲۰۰۳) دریافت که وجود چیزهای جالب و جذاب در مردم، احساسات خوب و مثبتی را پدید می آورد، در نتیجه خلاق تر از قبل میشوند. نتایج پژوهش پارسا و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که هر کدام از شیوه های چهارگانه حل مسأله با ویژگی های کارآفرینی دانشجویان رابطه معنادار و مثبت دارند.

آزمون تی مستقل نشان داد بین مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مسأله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مسأله دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی یکسان است. این نشان می دهد نوع دانشگاه محل تحصیل در پرورش مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مسأله تاثیری ندارد. دباغیان (۱۳۸۴) نیز دریافت دانش آموزان ریاضی نسبت به دانش آموزان بقیه رشته ها دارای قدرت تفکر بالاتری هستند و نیز تفاوت معناداری بین رشته علوم تجربی و ادبیات مشاهده نگردید.

در پژوهش حاضر امکان بررسی میزان مهارت های تفکر، کارآفرینی و حل مسأله در دانشجویان فراهم گردید. تأیید رابطه میان مهارت های تفکر و کارآفرینی و حل مسأله و شناسایی بعد یا ابعادی از مهارت های تفکر که بیشترین ارتباط را با کارآفرینی و حل مسأله دارد، به مسئولان و دست اندرکاران نظام آموزشی کمک می کند تا با توجه به قابل رشد بودن مهارت های تفکر، زمینه های رشد خلاقیت، کارآفرینی و حل مسأله در دانشجویان را فراهم نمایند تا دانشجویان بتوانند نقش خود را به عنوان دانشجویانی خلاق و نوآور در رشد و پیشرفت جامعه و موفقیت در زندگی ایفاء نمایند. همچنین تنوع در دروس آموزشی، امکانات آموزشی، استفاده از روش های پژوهشی و امکان اجرای تحقیقات علمی، ارتباط هر چه بیشتر دانشگاه ها با مراکز صنعتی و جامعه از جمله مواردی هستند که تأثیر به سزایی در افزایش مهارت های تفکر، کارآفرینی، حل مسأله و خلاقیت دانشجویان دارد.

منابع

فارسی

- بهرامگیری، فاطمه. (۱۳۸۰). **بررسی تاثیر مهارت حل مسأله در بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف**، پایان نامه درجه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره و راهنمایی دانشگاه الزهراء.
- پارسا، عبدالله، عبدالوهابی، مرضیه، سکینه، ظریف. (۱۳۹۰). **بررسی تاثیر شیوه های حل مسأله بر شخصیت کارآفرینانه**، مجله توسعه کارآفرینی، ۴، ۱۴، ۱۴۵-۱۶۴.

- حقیقت جو، زهرا. (۱۳۸۸). **رابطه سبک تفکر و کارآفرینی مدیران با سلامت سازمانی کارکنان دانشگاه های علوم پزشکی کشور**، فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۷، ۱، ۱۳-۲۰.
- حبیبی، سمیه. (۱۳۸۷). **بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر ارتقاء سازگاری دانش آموزان دبیرستان های دخترانه شبانه روزی شهرستان زرنند**، پایان نامه درجه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، مریم. (۱۳۹۰). **رشد تفکر انتقادی، تفکر خلاق و توانایی تشخیص غیرمنطقی و همبستگی آنها در نوجوانان دختر تبریز**، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه تبریز.
- مهدوی، نیلوفر. (۱۳۸۸). **مهارت های زندگی**، تهران: نشر قطره.
- شعبانی، حسن و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۹). **پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسئله محور**، مدرس، ۴، ۱، ۱۱۵-۱۲۵.
- لطفی، مهدی. (۱۳۸۸). **بررسی میزان تاثیر آموزش های دانشگاهی در افزایش فعالیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور استان مازندران**، پایان نامه درجه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد تهران.
- مایرز، چت. (۱۳۸۳). **آموزش تفکر انتقادی**، ترجمه خدایار ایلی، تهران: انتشارات سمت.
- یاری، کسری. (۱۳۷۸). **مقایسه سبک های تفکر دبیران زن و مرد مقطع متوسطه فیروزآباد**، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس.
- احمدپورداریانی، محمود. (۱۳۸۳). **کارآفرینی**، تهران: انتشارات پردیس.
- احمدی، تیمور. (۱۳۸۹). **بررسی رابطه خوش بینی با شادکامی در دانشجویان**، اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت.
- توانایی، محمد حسین. (۱۳۸۹). **بررسی تأثیر مثبت اندیشی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه**، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ۲، ۷، ۳۳-۵۰.
- مقیمیان، مریم. (۱۳۹۱). **تأثیر به کارگیری الگوی تفکر خلاق رانکو و چاد بر مهارت های مدیریتی دانشجویان پرستاری**، فصلنامه افق پرستاری، ۱، ۱، ۵۱-۵۶.
- دستغیب، مریم. (۱۳۹۰). **تأثیر آموزش مهارت های مثبت اندیشی بر خلاقیت دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان**، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱، ۴، ۳۳-۵۰.
- دباغیان، علی اکبر. (۱۳۸۴). **مقایسه تفکر انتقادی و خلاقیت دانش آموزان سال سوم رشته های تحصیلی ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی در شهرستان پاکدشت**، پایان نامه دانشگاه آزاد تهران.
- رضایی، محمد حسین. (۱۳۸۸). **بررسی ویژگی های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب**، مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴، ۲، ۳۵-۵۰.

References

- Sexton, D. L. (1992). **The state of the art of entrepreneurship**, Plos-Kent Publishing Boston.3.1-34.
- D’Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2002). **Manual for the social problem solving inventory-revised** (pp.211-244). North Tonawanda, TY: Multi-Health Systems.
- Galloway, L. (2005). **Enterprise skills for the economy**. Education & training. 47(1).7-17.
- Mintzberg, H; Raisinghani, D; Theoret, A. (1976). **The structure of unstructured” decision processes**. Administrative Science Quarterly, 21, 246 - 274.
- Isen, A. M. Daubman, K. A. & Nowicki, G. P. (1987). **Positive affect facilitates creative problem solving. (Electronic version)**. Journal of Personality and Social Psychology, 52, 1122- 1131.
- Norman, D. A. (2003). **Emotional design: why we love (or hate) everyday things**. New York: basic books.
- Wrihgt, T. A. & Walton, A. P. (2003). **Affect, psychological well-being and creativity: Result of a field study, (electronic version)**. Journal of Business and management, 9, 21-32.
- Siadat S.(2012). **Entrepreneurship Morale among Students at Isfahan University of Medical Sciences**. Iranian Journal of Medical Education. 2012; 12 (7):527-536
- Setiawan, J. L. (2014). **Examining entrepreneurial self-efficacy among students, The 5th Indonesia International Conference on Innovation, Entrepreneurship, and Small Business (IICIES 2013)**, 235 – 242.
- Martin, C., Romita, B. I. (2014). **Teaching entrepreneurship to educational sciences students**, 5th World Conference on Educational Sciences - WCES 2013, 4397 – 4400.
- Wennberg, K. (2006). **Creativity among entrepreneurship students: comparing engineering and business education**. Engineering Education and Lifelong Learning, 16, 5.366-379.